

چرا زوج ها به طلاق عاطفی دچار می شوند

کمتر از یکسال از ازدواج شان گذشته بود اما دیگر زندگی محبت آمیز قبلی از مسیر همیشگی خارج و جر و بحث های طولانی و با دلیل و بی دلیل جای آن حرف های عاشقانه را گرفته بود، اعتمادشان به هم کم و دیگر آن شور و شوق ابتدای زندگی به چشم نمی خورد.

بخاطر کوچکترین مساله مشاجره شان آنقدر بالا می گرفت که به فحش و تنش کشیده می شد، هیچ کدام به احترام دیگری کوتاه نمی آمد و دیگر از آن حرف ها و محبت های عاشقانه، ۲ نفره غذا خوردن ها، قدم زدن های عاشقانه و بی مناسبت برای هم کادو خریدن خبری نبود.

رفتن محل کار و برگشتن به خانه و انجام کارهای روزمره، ساعت ها غرق شدن در فضای مجازی و در نهایت صحبت اندک پیرامون مسایل معمولی زندگی مجموع مهمترین کارهایی است که در طول ۲۴ ساعت شبانه روز با هم دارند، نه برنامه تفریحی، نه پیاده روی و نه با هم بیرون و خرید رفتن.

نظیر چنین زندگی هایی امروزه در برخی از [خانواده](#) ها مشهود است، زندگی های گرمی که ابتدا با عاطفه و محبت زوج ها همراه است اما رفته رفته به سردی روابط گرایش پیدا می کند بطوریکه زندگیشان با پدیده ای جدید مواجه می شود که کارشناسان آنرا طلاق عاطفی نام می گذارند.

طلاق عاطفی به پدیده ای گفته می شود که زوج ها در واقع تنها اسمشان در شناسنامه یکدیگر است، به اجبار با هم زندگی کرده، با وجود زندگی زیر یک سقف، اما دور از هم هستند، ارتباط عاطفیشان قطع و به نوعی به اجبار با هم زندگی می کنند.

طلاق عاطفی در زندگی این زوج ها ایجاد شده و بیشتر مواقع بخاطر ترس از آبرو و بچه ها تن به ادامه زندگی می دهند و به عقیده بسیاری از کارشناسان این شیوه یکی از خطرناک ترین طلاق هاست که ممکن است به طلاق ثبتي منجر شود.

کار کردن زیاد زوج ها بیرون از خانه، استفاده بیش از حد از شبکه های اجتماعی، عدم شناخت کامل زوج ها از هم، نداشتن تفاهم، عدم

مهارت های زندگی و ابراز محبت نکردن زوج ها به یکدیگر از جمله مهم ترین عواملی است که به عقیده کارشناسان موجب کوچ عاطفه و محبت از زندگی برخی زوج ها می شود.

طلاق عاطفی چیست و چرا زوج ها به این نوع طلاق دچار می شوند

کارشناس مسوول دفتر [آسیب های اجتماعی](#) اداره کل بهزیستی ایلام در این زمینه معتقد است: طلاق را براساس معیارهای مختلف می توان به انواع گوناگون تقسیم کرد که طلاق عاطفی یکی از انواع آن است.

زهرا عبدالهی افزود: اگر طلاق را گسست رابطه عاطفی بین زن و مرد بدانیم، در برخی موارد با وجود عدم جدایی زوج ها ولی فاصله گیری عاطفی زن و مرد به صورت پنهان باقی می ماند بطوریکه تعداد زیادی از زوج ها بدون داشتن تعلق عاطفی به زندگی در کنار یکدیگر ادامه می دهند.

وی اظهار کرد: طلاق عاطفی به معنای عدم معاشرت پذیری و عدم تعلق عاطفی بین زوج هاست که به کنار هم بودن و کنش متقابل با یکدیگر در امور زندگی تمایلی ندارند و علاوه بر قطع روابط عاطفی، تعامل بین زوج ها به سردی می گراید که به زندگی های خاموش و فاقد عشق و دوستی تبدیل و اعضای آن تنها به زندگی با یکدیگر ادامه می دهند.

علت های فردی و فرهنگی مسبب رواج طلاق عاطفی/راهکار برون رفت چیست؟

عبدالهی با ذکر اینکه علت های مختلف فردی و فرهنگی باعث این نوع طلاق در خانواده ها می شود، گفت: نحوه انتخاب همسر، میزان شناخت زوج ها از هم، نداشتن مهارت های فردی در حل مسائل، عدم گذران وقت با یکدیگر، عدم تامین نیازهای عاطفی، نارضایتی جنسی و بی اعتمادی می تواند از عواملی باشد که بر طلاق عاطفی تاثیر گذار است.

وی اظهار کرد: طلاق عاطفی با انجام اقدام هایی قابل کنترل است بطوریکه با راهکارهایی می توان عاطفه و محبت بین زوجین به وجود آید.

وی پذیرش همسر را گام نخست در این زمینه عنوان کرد و یادآور شد: همسران در طول زندگی باید سلیقه های مشترک را حفظ کنند علاوه بر آن درباره عوامل فرهنگی که با آن مواجه می شوند به توافق برسند.

این دانش آموخته جامعه شناسی کاهش نگرش مردسالاری و ایجاد برابری

جنسیتی، اطلاع رسانی و آگاه سازی زنان برای آشنایی با حقوق فردی و اجتماعی و پیشگیری از ازدواج های تحمیلی را از جمله راهکارهایی عنوان کرد که در کاهش و کنترل طلاق عاطفی موثر خواهند بود.

خانواده های متأثر از طلاق عاطفی با چه مشکلاتی مواجه هستند

عبداللهی به مشکلات خانواده های درگیر طلاق عاطفی اشاره کرد و افزود: خانواده هایی که در آنها طلاق عاطفی وجود دارد، نسبت به خانواده های عادی در بیشتر مسائل قادر به حل مشکلات و تعارض های خود نیستند.

وی یادآور شد: ارتباط عاطفی اعضای این خانواده ها ناکارآمد و مختل است بطوریکه در زمینه تعامل نقش ها و عملکرد کلی به طرز ضعیفی عمل می کنند.

به عقیده کارشناس مسوول دفتر آسیب های اجتماعی اداره کل بهزیستی ایلام، بروز طلاق عاطفی در خانواده، فرزندان را دچار مشکلات زیاد روحی، روانی کرده و تربیت آنها با چالش های بسیاری روبرو خواهد شد بطوریکه کمبود محبت و سردی زندگی بر احساس اضطراب و ترس فرزندان تاثیر دارد و سلامت روان آنان به مخاطره افتاده و در بیشتر مواقع با افت تحصیلی روبرو می شوند.

عبداللهی با ذکر اینکه همیشه والدین یکی از الگوها و گروه های مرجع برای فرزندان محسوب می شوند چراکه رفتارها در خانواده بیشتر جنبه یادگیری دارد، اضافه کرد: در خانواده هایی که دچار طلاق عاطفی هستند، این پدیده بدون شک به فرزندان نیز منتقل و در زندگی مشترک آینده آنها تاثیر فراوانی خواهد گذاشت.

طلاق های ثبتي میزان ناکامي همسران در زندگی زناشویی را نشان نمی دهد



یک استاد دانشگاه جامعه‌شناسی معتقد است: خانواده از نخستین نظام‌های نهادی عمومی جهانی است که برای رفع نیازمندی‌های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد چراکه روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از اثبات و استحکام بیشتری برخوردار است.

ظاهره فرازمند افزود: هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده سالم نمی‌تواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی بی‌تاثیر از خانواده پدید نیامده‌اند.

وی طلاق را یکی از مهمترین آسیب‌های خانوادگی عنوان و ادامه می‌دهد: آمار رسمی طلاق‌های ثبتی بطور کامل نشان‌دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست زیرا در کنار آن آماری بزرگتر به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد یعنی به زندگی‌های خاموش و خانواده‌های تو خالی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی اما تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند.

طلاق عاطفی چگونه شکل می‌گیرد

به گفته این استاد جامعه‌شناسی، طلاق عاطفی به سردی رابطه میان زن و شوهر گفته می‌شود و در واقع در این رابطه ضعف ارتباط عاطفی زن و شوهر به سردی تمامی روابطی که یک زوج می‌توانند با هم داشته باشند، مانند رابطه روحی، جسمی، عاطفی و حتی گفتاری منجر می‌شود.

فرازمند بیان کرد: وجود این مشکل در یک رابطه موجب بی‌مهری و کم‌شدن انرژی مثبت در خانواده می‌شود، بطوریکه زوج‌ها در بیگانگی دنیای یکدیگر گم شده و فقط برای هم حکم یک هم‌خانه که به او عادت کرده‌اند، دارند.

وی گفت: این افراد با فاصله‌ای که از لحاظ روحی و جسمی با یکدیگر دارند، خط قرمزهایی را برای همدیگر مشخص کرده و هرکدام در خلوت خود دیگری را متهم می‌کند.

این استاد دانشگاه تاکید کرد: درک نکردن صحیح از رفتار و گفتار یکدیگر، نداشتن شناخت کافی از روحیه طرف مقابل، وجود ویژگی‌های اخلاقی نامطلوب در زوج‌ها، نقش سن و مدت ازدواج، روان‌آزردگی، برون‌گرایی، تغییر سبک زندگی، خیانت ذهنی زوج‌ها، متغیرهای فردی، هوش معنوی و ویژگی‌های شخصیتی و عاقبت بی‌علاقگی و سردی نسبت به

شریک زندگی خود همه و همه دست به دست هم می دهد تا یک طلاق عاطفی را در زندگی زوج ها به وجود آورد.

فرازمند در عین حال یکی دیگر از شاخص های مهم که بر کیفیت روابط عاطفی زناشویی اثر می گذارد را سیستم های ارزشی و عقیدتی همسران و شباهت و تفاوت های باورها و ارزش های آنها عنوان می کند.

زندگی زوج هایی که دچار طلاق عاطفی هستند، چگونه است؟

فرازمند اظهار کرد: در برخی ازدواج ها که منجر به طلاق ثبتي و قانوني نمی شود زندگی ها توخالی بوده که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی پیش رفته و زمان را سپری می کنند و اینگونه ارتباط در زندگی مشترک را صاحب نظران طلاق عاطفی نامیده اند.

وی ادامه داد: در این زندگی ها زوج ها فقط زیر یک سقف زندگی می کنند، در حالیکه ارتباطات بین آنها قطع شده یا بدون میل و رضایت است و طلاق عاطفی نماد وجود مشکل در ارتباطی سالم و صحیح بین زن و شوهر است.

به عقیده این استاد جامعه شناسی، این مشکل ارتباطی در سطح خانواده می تواند در جامعه نیز شیوع و گسترش یابد و ارتباط انسانی را مختل کند.

طلاق عاطفی از مهمترین مباحث روز در جوامع رو به توسعه است

فرازمند با ذکر اینکه طلاق عاطفی از مهمترین مباحث روز در جوامع رو به توسعه و یا توسعه یافته است، افزود: دلایل مختلفی اعم از عدم تطبیق انتظارات قبلی اشخاص از زوج خود و برآورده نشدن آن در خلال زندگی، الگوی متفاوت در انتخاب سبک زندگی و عدم وفق یافتن زوج ها با الگوهای متعارض یکدیگر، وجود خیانت های آشکار و پنهان زوج ها نسبت به یکدیگر و سایر مسایل ریز و درشت را می توان از جمله دلایل ایجاد طلاق عاطفی نام برد.

وی گفت: این مسائل به دلیل تحول در جوامع و تغییرات سریع رفتاری و اخلاقی توانسته نقش مهمی را در ایجاد بحران های عاطفی در خانواده ها ایجاد کند، این در حالی است که نمود و تجلی طلاق عاطفی را کمتر می توان در جوامع سنتی و یا پایبند به اصول اخلاقی و دینی مشخص کرد.

شبکه های اجتماعی و کار زیاد از عوامل موثر بر طلاق عاطفی

وی مکانیزه شدن تعامل ها در زندگی روزمره و ورود شبکه های نوین اجتماعی نظیر توییتر، اینستاگرام و ... از یکسو و از طرف دیگر کاهش زمان در کنار یکدیگر بودن خانواده ها به دلیل زمان زیاد اشتغال به کار سبب کاهش ارتباطات روزمره و همبسته بین افراد شده که این موارد از مشخصه های کاهش درک زوج ها از یکدیگر به دلایلی نظیر کاهش بروز احساسات عاشقانه و عاطفی، بی حوصلگی و خستگی مفرط از کار، تنوع شبکه های ارتباط جمعی و مجازی که می تواند در هر لحظه در دسترس قرار داشته شود.

فرازمند عامل دیگر در بروز طلاق عاطفی را شخصیت و ویژگی های شخصیتی افراد عنوان می کند بطوریکه در بروز اختلاف ها و ناسازگاری زوج ها و نحوه ارتباط آنها با هم شخصیت و ویژگی های شخصیتی تاثیر بسزایی دارد.

طلاق عاطفی سالها پیش تر از طلاق رسمی رخ می دهد

وی اظهار کرد: طلاق عاطفی و همچنین طلاق جنسی _ آمیزشی بیشتر از طلاق رسمی و قانونی است که در سال های اخیر رشد بسیار شتابان و نگران کننده ای داشته و دارد و در بسیاری از موارد خود زوج ها از این مساله که به آن وارد شده اند، آگاهی و هوشیاری ندارند.

به عقیده فرازمند، طلاق عاطفی سال ها پیش تر از طلاق رسمی و قانونی رخ می دهد و در واقع این نوع طلاق زمینه وقوع طلاق ثبتي را فراهم می کند.

طلاق عاطفی جامعه را دچار بی سازمانی می کند

یک پژوهشگر فرهنگی و اجتماعی نیز معتقد است: خانواده کانون عشق، عاطفه و احساس بوده و یکی از کارکردهای اصلی نهاد خانواده رفع نیازهای عاطفی است و اگر خانواده به هر دلیلی نتواند این کارکرد خود را به درستی ایفا کند، دچار به هم ریختگی شده و سکوت و خاموشی جایگزین شور و محبت خواهد شد.

خلیل کمربیگی افزود: در جامعه ایرانی و بر اساس عوامل مختلف، مساله طلاق، نکوهیده و ناپسند محسوب می شود و شدت این ناپسندی در مناطقی چون ایلام با ساختارهای ایلی و طایفه ای بیشتر خواهد بود بنابراین هرچند بر آن قرارداد ازدواج، مهر طلاق نخورده و در نرخ

رسمی طلاق نیاید این مساله رخ داده است.

وی بیان کرد: در چنین زندگی هایی زوج ها در زیر یک سقف با هم زندگی می کنند اما بین آنها فاصله اجتماعی زیادی است.

به عقیده این پژوهشگر مسائل فرهنگی و اجتماعی، در چنین جوامعی که ساختار آنها نیز مردسالارانه است، زنان ترس بیشتری از رخ دادن طلاق رسمی، تنهایی، برچسب مطلقه بودن و ده ها ترس دیگر داشته و موجب می شود هرچند زوج ها برای هم جذابیتی نداشته باشند و شرکای زندگی، در زندگی زناشویی احساس شراکتی نمی کنند اما این ارتباط غیردوستانه همچنان تداوم دارد.

به گفته کمربیگی، تداوم این ارتباط همراه با بی عاطفگی، در سطح کلان جامعه را دچار بی سازمانی می کند و در سطوح دیگر منجر به پدیدآمدن بسیاری از آسیب های اجتماعی دیگر می شود.

وی اظهار کرد: نتایج برخی از تحقیق های صورت گرفته در استان نشان می دهد که همین طلاق عاطفی زمینه را برای بروز برخی آسیب ها چون خودکشی، اعتیاد، افسردگی و ارتباط فرازناشویی، گسترش انزوای اجتماعی و در برخی موارد افت تحصیلی فرزندان فراهم می کند.

نقطه شروع پیشگیری از طلاق عاطفی، در نقطه شروع زندگی مشترک است

این پژوهشگر با ذکر اینکه نقطه شروع پیشگیری از مساله طلاق عاطفی، در نقطه شروع زندگی مشترک است گفت: اگر خشت اول زندگی زناشویی آگاهانه، عالمانه و به دور از توهم و تحمیل رخ دهد، از بسیاری مسائل و آسیب ها جلوگیری خواهد شد.

وی گفت: چنانچه زن و مرد قبل از ازدواج از یکدیگر شناخت لازم و کافی داشته باشند، معیارها و شاخص های مشترک بین آنها زیاد و فهم آنها از زندگی به هم نزدیک باشد، خانواده همچنان کانون مهر و عاطفه خواهد بود، اما اگر خشت اول کج گذاشته شود، هرچند ممکن است این بنا از لحاظ فیزیکی به هم نریزد اما دیگر مامن آسایش و آرامش برای هیچ یک از اعضا خانواده نخواهد بود.